

محققان برین اندک نام سوره الانعام است و با این است که جزو علم ارض است
کنند نزد اسرار الناس با ذکر فیه ایم با حالت است و یکم با در آن حال که از خود
شک است از جمیع کتبه از اول علم و تجریت از مولانا حقیق که احوال بود
موجب بر صیغه اسم فاعل حال از فاعل حفظا تجریت خود مودم آورده است بر احوال
صیغه مفعول نفس و تصریح کرده است بر همین حالت اخره حافظ عبد الرزاق
رسول که منسوب است بوی عبده را اسلم العین در تفسیر خود از شیخ عماد مقدسی
منسوب بوی است المقدس که نام سید است هرگاه فارغ است بر صیغه اسم
احوال این است عاشره و در بیان این که تفسیر کرد در آن اماکن غالباً اجابت است
و گفت
و كما لموضع الشريعة قال الحسن النضرى
فی رسالته الى اهل مكة ان الدعاء لبيحان هناك في
في خمسة عشر موضعا في الطواف وعند الملتزم و تحت المنارة
و في البيت و عند زمزم و على الصفا و المروة و في المسجد
و خلف المقام و في عرفات و في المنزلة و في مكة و في منى و عند
الجحيم است الثلث قلت و ان له حيا الدعاء عند النبي صلا
الله عليه و سلم ففي اى موضع على ان قد ردنا من سبحان الله كما في
الملتزم حديثا مسلما من طريق اهل مكة
است و بگویند بر آنکه تمام طواف طواف طواف که در حقیقت است
ششم صیغه اسم مفعول است از الزام که معنی دست بردن کردن است
نیز از بوزن مینزان تا دوران فارس معرب بهمین وزن است
الزه و میازب میازب جمع است خانه است اجابت اجابت است

عنی

عن سيبويه مثل قول القوم و ان اول بيت تصويروا ما ذكره و العامة
تقول بيت لواء و كذا القول في شرح و غير ذلك و شبهتها كذا في
صفا مقصود موضع جگر حده كطلي نيز موضع جگر مسج مكان و در آن
شباب گرفتن مقام ابراهيم هم بر آن است عرفات جوار قوف آوردن
مما و هو اسم في لفظ الحج و لا يحج قال الفراء و لا در اصله لعمري
و ان كان مجازا لان الالمان لا تزل افعال كالتواضع ليس غير منصرف است
علیت و نامت نيز و بیهوده است و منصرف لجهت قرینا فاذا انقضت
عرفات بجهت لکن بر لغت است علمت این تعرفات برای نامت نیست
این تا با الفی که بر روی سابق است علامت جمع موش است و چون این تعرفات
جمع موش و مانند نامت است نامت است از لغت بر آنکه موش است
که بدل است از و او بر اخصاص آن نامت نامت است از آن لغت بر آن
که بر لام نام جای بگویند و لغت فیه آدم الاحوال اقرب و لغت اسمی
نیز المغرب معنی بگویند و در موضع است بگویند زبان دروی کند و بگویند
لغز است و قد كتبت باللائف و ستمون ترجمه بگویند خرد و بگویند
جرات بفتحین جمع متسل که صیغه اسم مفعول است در لغت خبری درام
همسته و در اصطلاح محمدان حدیثی است مشایخ اندر حال رساند آن
تا آن حدیث صابر علیه السلام نزد است ان حدیث بگویند است
تواریکالموضع خبر ان کن الاجابة است و وجه آوردن مصنف است
فارادان خبر است ای الموضع الی فرمود بهتر می بود لغت مکانها

Copyrighted by University